

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هفتاد و نهم

۲۲ اپریل ۲۰۱۵

با یک دست بیل و با دست دیگر تفنگ

کنگره به حزب و به تمام خلق هشدار داد که مساعی و مبارزات آنها برای عملی ساختن نقشه پنجساله با دشواری های بسیار روبه رو خواهد شد و به منظور غلبه بر این دشواری ها باید به کامل ترین تدارکات معنوی و مادی، سیاسی و نظامی دست زد.

دشواری ها گوناگون بود. برخی از آنها دشواری های رشد بود و مربوط می شد به عقب ماندگی موروثی کشور از گذشته، به فقدان تجربه، به آمادگی ناکافی فنی و فرهنگی کادرها و کارگران به طور کلی. بر این دشواری ها می شد با کار جدی سازمانی، انضباط، اعتماد توده ها به صحت مشی حزب، و بسیج توده ها غلبه کرد.

در عین حال حزب و خلق می بایست برای مقابله با دشواری هائی که امپریالیست ها و رویزیونیست های یوگوسلاوی با فعالیت خصمانه، گوناگون و مداوم خویش به ضد جمهوری توده ئی البانی، بر می انگیزتند کاملاً آماده باشند.

دشمنان خارجی به طرح نقشه های جدیدی برای درهم شکستن سیستم دموکراسی توده ئی در البانی مشغول بودند. دولت یوگوسلاوی با الهام و مساعدت امپریالیست های امریکائی و با هم داستانی دولت یونان و ترکیه در تدارک انعقاد پیمان بالکان بود، پیمان تجاوز کارانه ای که در درجه اول علیه البانی و بلغارستان توجیه می شد.

کنگره با توجه به این وضعیت شعار حزب را که نخستین شعار توده های خلق در فعالیت آنها پس از رهائی البانی بود تسجیل کرد. شعار مذکور چنین بود:

«با یک دست بیل و با دست دیگر تفنگ سوسیالیسم بسازیم»^(۱). کنگره به کلیه اعضا وظیفه داد که به هشیاری خویش حدت بخشند و به تقویت مداوم وحدت خلق برگرد حزب اهمیت بسیار دهند. کنگره خواستار شد که از هیچ کوششی در افزایش توانائی دفاعی میهن، در تکامل بخشیدن به ارتش توده‌ئی، به نیروهای مرزی و امنیت دولتی دریغ نشود.

کنگره تجاوز امپریالیسم امریکا را بر کوریا و به طور کلی سیاست جنگجویانه و تهاجمی او را محکوم ساخت و سفارش کرد که پیوسته در این جهت کار شود که کینه خلق البانی علیه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم امریکا افروخته گردد و امپریالیسم امریکا کاملاً افشاء شود. کنگره مقرر داشت که مبارزه با امپریالیسم شرط اساسی مبارزه در راه حفظ و تحکیم صلح است.

همچنین کنگره همدردی خویش را با طبقه کارگر جهانی، با همه خلق‌های که در راه رهائی از یوغ امپریالیسم در پیکار اند، اعلام داشت. کنگره وظیفه داد که دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی بیش از پیش تحکیم شود و ضرورت این امر را که دار و دسته تیتو به مثابه عمال امپریالیسم افشاء گردد تأکید کرد.

کنگره کمیته مرکزی حزب را مرکب از ۳۷ عضو اصلی و ۱۲ عضو جانشین انتخاب کرد. انورخوجه مجدداً دبیر کل انتخاب شد.

۵- اقدام حزب در کاستن فاصله میان سطح رشد صنعت و کشاورزی و در بهبود شرایط زندگی مردم

اجرای نخستین نقشه پنجساله به موانعی بر خورد که نمی شد پیش بینی کرد. نقشه رشد اقتصادی برای سال های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ اجراء نشد. افزایش رفاه زحمتکشان به درجه ای که در نظر بود نرسید. موانع مذکور به طور عمده نتیجه عقب ماندگی کشاورزی و معلول آن بود که کشاورزی با آهنگی کندتر از آنچه در کنگره تعیین شده بود رشد می یافت. سطح کشت محصولات کشاورزی، طبق نقشه وسعت یافته بود ولی بازدهی آن به ویژه در مورد غلات کمتر از شاخص های مقرر بود. تکس قابل ملاحظه ای در دامداری به چشم می خورد. معلوم شد که فاصله میان سطح رشد صنعت و کشاورزی به جای آن که طبق پیش بینی های نقشه پنجساله کاهش یابد، افزایش یافته است.

علل نا هماهنگی رشد صنعت و کشاورزی.

این امر موجب نگرانی شدید کمیته مرکزی گردید. کمیته مرکزی به بررسی خاص آن پرداخت و علل آن را تعیین کرد.

عقب ماندگی موروثی کشاورزی، سطح نازل آموزش و فرهنگ توده های دهقان و وجود مالکیت های کوچک در روستا، مانع آن بود که تکنیک به مقیاس وسیع به کار رود و کلیه امکاناتی که حزب برای افزایش تولید کشاورزی ایجاد کرده بود مورد استفاده قرار گیرد. سمت گیری صحیحی که دومین کنگره برای تسریع پیشرفت کشاورزی و تقلیل فاصله میان رشد صنعت و کشاورزی داده بود آن طور که باید مراعات نشد و بالنتیجه در ارقام نقشه پنجساله تجسم نیافت. سرمایه گذاری هائی که به کشاورزی اختصاص داده شده بود در شرایط وجود مالکیت کوچک

^۱ همانجا صفحه ۱۵۴

خصوصی نمی توانست مخارج ضروری پیشرفت کشاورزی را تأمین کند. سرمایه گذاری های مذکور حتی از سرمایه گذاری در حمل و نقل هم کمتر بود. این طرز عمل با وظیفه ای که کنگره مقرر داشته و خواسته بود که تولید کشاورزی در طی نقشه پنجاهساله، به ویژه در اثر افزایش بازدهی، ۱۷۱ درصد بالا رود تناسبی نداشت. به علاوه آهنگ پیشرفت که در بخش صنایع در نظر گرفته شده بود از حد امکانات واقعی بیرون بود. ساختمان مؤسسات صنعتی جدید به چنان مقیاسی رسید که از دایره نیروها و ظرفیت های کشور در می گذشت. آهنگی که برای تمام کردن برخی از مؤسسات مهم معین شده بود نمی توانست نگهداری شود. کار های مذکور مستلزم افزایش فراوان نیروی کار بود که سالانه به ۲۶۰۰۰ کارگر تخمین زده می شد. برای تأمین نیروی کار جهت صنایع لازم بود که دهقانان به تعداد زیادی از کشاورزی جدا شوند و اگر چه به اندازه مذکور در فوق جدا نشدند. این پدیده هم برای کشاورزی و هم برای اجرای نقشه صنایع و به ویژه ساختمان مؤسسات صنعتی، به صورت ممانعی عرض وجود کرد.

دشواری های اقتصادی دهقانان نیز علاوه بر کمبودهای برنامه گزاری، تأثیر منفی در رشد کشاورزی داشت. تعهدات دهقانان در برابر دولت در مورد تحویل دادن اجباری محصولات کشاورزی، خیلی زیاد و مالیات کشاورزی هنوز خیلی سنگین بود. دهقانان در اثر خشکسالی ۱۹۵۰-۱۹۵۲ نتوانستند از عهده تحویل بر آیند. در واقع در این سال ها دهقانان مجبور بودند به جای ۲۵ درصد که به طور متوسط در برنامه پیش بینی شده بود ۴۰ تا ۵۰ درصد محصول ذرت را تحویل دهند.

خشکسالی صدمات بزرگ بر کشاورزی وارد آورد و باعث کاهش دام ها شد. تعداد آن بهره برداری های کشاورزی که گاو کاری داشتند به یک سوم بهره برداری های کشور رسید، و این تلفات در موقعی روی داد که سطح کشت و تنوع کار های کشاورزی افزایش یافته و در عین حال وسائل مکانیکی کشاورزی غیر کافی بود. آن میزان بازدهی که برای تولید غلات پیش بینی شده بود به دست نیامد و یکی از دلایل آن بود که بهترین زمین ها به گیاهان صنعتی اختصاص یافته بود. سطح کشت این گیاهان را افزایش داده بودند بدون آن که قبلاً بررسی جدی به عمل آورند و حتی غالباً بدون آن که اراده دهقانان و یا میزان نیروی کاری را که برای چنین کشتی ضروری بود در نظر بگیرند. از این جهت بازدهی پیش بینی شده به دست نیامد.

باوجود کلیه تصمیماتی که حزب اتخاذ کرده بود بازهم هماهنگی میان قیمت کالا های کشاورزی و کالاهای صنعتی هنوز به کلی از میان نرفته بود. دهقانان با در آمد های اندک خود به زحمت می توانستند افزارهای ضروری کشاورزی را بخرند زیرا که قیمت این افزار ها به نسبت قیمت کالاهای کشاورزی و دامداری خیلی بالا بود. از طرف دیگر دهقانان در به دست آوردن افزار های آبیاری از این جهت نیز دچار دشواری می شدند که تولید صنعتی و پیشه وری این افزارها هنوز به قدر کافی نبود.

چون پیشرفت هائی که در کشاورزی در نظر گرفته شده بود عملی نگردید و وظائف مقرر در زمینه تولید مواد مصرفی روزانه نیز انجام نگرفت. این وضع دشواری هائی در تأمین خواربار اهالی پیش آورد و مانع بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و ده شد.

اوضاع و احوال دیگری نیز در جلوگیری از بهبود زندگی زحمتکشان تأثیر داشت. کثرت پراکنده های مصرف برای این که بیشترین سود را به دست آورند معاملات جمع آوری و فروش محصولات کشاورزی و همچنین افزارهای آبیاری را به طور عمده در بازار آزاد انجام می دادند و کالاهای لازم را به بازار تضمین شده و بازار متقابل نمی رسانیدند. تعداد کثیری از دهقانان زاد و بود خویش را رها کرده برای کار به شهر ها می آمدند و این امر ایجاب

می کرد که برای تأمین آنها و خانواده های شان از حیث مسکن و از حیث کالاهای جیره بندی شده، مجدداً سرمایه گذاری شود. به علاوه از آنجا که بدون توجه به رهنمود کمیته مرکزی در صدد بر آمده بودند که بازرگانی خرده فروشی را نابه هنگام و از طریق اقدامات اداری از میان بردارند این امر بیش از پیش باعث کاهش میزان کالا در بازار شده بود.

حزب در این دوره نقص دیگری را نیز در زمینه فوق بر ملا ساخت. توسعه مفرط دستگاه دولتی و سازمان های توده ئی بار سنگینی بر بودجه دولت بود و این امر از آنجا ناشی می گشت که تجربه کادرها با وظائف جدیدی که در اثر توسعه در بخش دولتی اقتصاد پیش آمده بود مطابقت نداشت و تصور می شد که می توان بر دشواری های حاصل از آن با توسعه دستگاه دولتی غالب آمد. چنین دستگاهی بر اقتصاد توده ئی سنگینی می کرد، باعث تضعیف رهبری آن می گردید و راه به بوروکراسی می داد.

ادامه دارد...